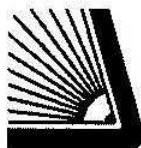


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَبِالْحَقِّ نَذِيرٌ

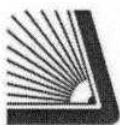
تکمیل خصوصیات انسانی

سید ابراهیم موسوی



انتشارات نظری

سرشناسه	موسوی، سید ابراهیم
عنوان و نام پدیدآور	تکوین خصوصیات انسانی / سید ابراهیم موسوی
مشخصات نشر	تهران: انتشارات نظری، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	۴۸ ص
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۲۸۹-۱۸۰-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	راه و رسم زندگی
موضوع	مهارت های زندگی
رده بندی کنگره	BJ۱۵۸۸/ف۴۸۳ ۱۳۹۳
رده بندی دی	۱۵۶/۱
شماره ثبت کتاب ملی	۳۵۰۴۹۳۳



انتشارات نظری

نام کتاب : تکوین خصوصیات انسانی

نویسنده : سید ابراهیم موسوی

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۵

شمارگان : ۵۰۰

«کلیه حقوق چاپ و نشر مخصوص مجازات ناشر می باشد»

دفتر مرکزی : تهران، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان سید جمال الدین سیدآبادی (یوسف آباد)
نیش خیابان فتحی شقایق، جنب بانک انصار، پلاک ۳۲، واحد ۱۷

info@nashrenazari.com

www.nashrenazari.com

همراه: ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵

تلفن: ۸۸۱۰۲۷۷۵

قیمت : ۵۵۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	پیش گفتار:
۱۲	پدر و مادر:
۱۳	خواهر و برادر:
۱۳	کشوری که در آن به دنیا می‌آییم:
۱۴	مذهب و دین پدر و مادر:
۱۸	تحمل کردن سختی‌ها با نگه داشتن آرامش خود:
۲۲	قانع بودن و زیاده‌خواهی نکردن:
	تلاش کردن و تحمل کردن سختی‌ها برای خاتمه دادن به مشکلات:
۲۳	
۲۸	مشکلات عوض می‌شوند:
۳۲	مبارزه با جبر با کمک طرز تفکر:
۳۹	تن ندادن به افراط و تفریط:
	ما باید خودمان را از تنش‌ها و استرس‌ها دور نگه داریم و با آرامش
۴۱	به زندگی‌مان ادامه دهیم:

۴۳ پاک کردن کینه و نفرت برای آرامش یافتن و موفقیت:

۴۴ بخش پایانی:

۴۴ انسان ناقص

۴۵ از ایمان:

۴۵ عوامل رشد آدمی

www.ketab.ir

پیش‌گفتار:

با تشکر از انتخاب شما برای مطالعه‌ی کتاب "دلایل جبر زندگی"، قصد بنده از نوشتن این کتاب آگاه ساختن شما و جواب دادن به سؤال‌های احتمالی شماست، در این کتاب با موضوع قانون جبر و دلیل وجود آن و قانون طرز تفکر و صبور بودن در حل مشکلات آشنا خواهید شد.

در این نوشته سخن این نیست که انسان هیچ رفتار و اعمالی نمی‌تواند تأثیر بگذارد. می‌خواهم بگویم که انسان در عین اینکه موجودی مختار است و فاعل و پدیدآورنده کارهای خویش است اما محیط اجتماعی نیز عامل مهمی است که بر ایجاد اعمال و رفتار او تأثیرگذار و تحمیل‌کننده و جبری است. در این رابطه استاد شهید مطهری در کتاب مقدمه‌ای به جهان‌بینی اسلامی می‌فرماید: محیط اجتماعی انسان عامل مهمی است در تکوین خصوصیات روحی و اخلاقی انسان، زبان انسان، آداب عرفی و اجتماعی، دین و مذهب غالباً همان چیزی است که محیط اجتماعی بر انسان تحمیل می‌کند.

انسان‌ها در طول زندگی خود با شرایط و مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شود که در مقدار زیادی از آن مشکلات نقشی ندارند و به ناچار باید با آن‌ها دست و پنجه نرم کنند ولی قطعاً آن مشکلات علت و جبر دارد، بگذارید ابتدا این موضوع را با اشاره به داستان زندگی مهناز و علی شروع کنم: چندین سال پیش دختری به نام مهناز در یک خانواده بایستک شهر و کم‌درآمد زندگی می‌کرد، او دانشجوی رشته هنر بود، او دختر سیاه‌معتدل و محجوبی بود. مهناز بعد از مدتی با هم‌دانشگاهی خود به نام علی آشنا شد، علی که از خانواده مرفه‌ای برخوردار بود به شدت می‌پوشید نظر مهناز را نسبت به خودش جلب کند ولی مهناز جز در امور دانشگاهی و درس علاقه‌ای به چیزی نداشت تا این‌که علی از طریق خواهرش سارا، از مهناز خواستگاری کرد ولی مهناز به دلیل اختلاف طبقاتی و از ترس مسخره شدن از سوی اقوام علی به دلیل پایین شایستگی بردنش ابتدا تمایل نشان نداد ولی به دلیل درخواست‌های مکرر علی، قبول کرد که ابتدا مدتی با هم در دانشگاه با اخلاق‌ها و رفتارهای یکدیگر آشنا شوند.

در نهایت آن‌ها تصمیم به ازدواج گرفتند، علی به اتفاق خانواده‌اش به خواستگاری رفت و مهناز بی‌درنگ جواب بله را داد.

آن‌ها چند سال با عشق و علاقه با هم زندگی کردند و از زندگی در کنار یکدیگر راضی بودند، اما بعد از مدتی، اهمیت دادن پیش از حالا علی به کسب و کار و تجارت مهناز خود را تنها دید.

مهناز که از این حالت خسته شده بود سرانجام برای رهایی از این مسئله رو به راه‌های خود و تفریح کردن با آن‌ها آورد.

علی که همدی وکیل با مال و ثروت و درآمد بیشتر کرده بود به شدت از مهناز غافل شده بود. این‌که با بگیر دادن‌های مهناز روبه‌رو شد، از آن پس دیگر کار آن‌ها شده بود دعوا و تخریب یکدیگر، هر شبی که علی از محل کار به خانه می‌آمد با دعواهای مکرر مهناز که می‌گفت تا این وقت کجا بودی باکی بودی رفته رفته می‌شد علی که گمان می‌کرد می‌تواند این رفتارها را با هدیه دادن جبران کند برای همسرش مهناز یک ماشین خرید، ولی مهناز دیگر آن مهنازی نبود که با گرفتن یک شاخه گل هم به شدت خوشحال می‌شد، او کاملاً بهانه‌گیر شده بود تا اینکه از علی درخواست طلاق کرد، علی به شدت جاکشور و عصبانی شد و تلاش کرد تا نظرش را عوض کند

ولی مهناز دیگر حاضر به ادامه‌ی زندگی با او نبود و هر روز با دعوا و شکستن وسایل خانه درخواست طلاق می‌کرد.

علی بالاخره مجبور شد رضایت دهد، او همچنان عاشق مهناز بود ولی دلایل گریه‌های شبانه‌روزی مهناز برخلاف میل خود رضایت به جدایی با او پس از جدایی به شدت تنها و غمگین شد.

او چند روز بعد تصمیم گرفت به استاد روان‌شناس خود رجوع کند، موضوع را برای استادش تعریف کرد، او به استادش گفت که از رفتار همسر سابقش تعجبناک‌ده است او گفت که ما به شدت به هم علاقه‌مند بودیم و نمی‌دانم چرا این چنین تصمیمی گرفت. استادش که دلیل بهانه‌های مهناز را، تنها گذاشتن از توسط علی می‌دانست و با توجه به تجربه‌های گذشته‌اش به علی پیشنهاد کرد یک مدتی مهناز را زیر نظر بگیرد، او منظور استادش را متوجه نشد و نمی‌دانست قصد استادش از این کار چیست ولی تصمیم گرفت این کار را انجام دهد.

او چند روزی نزدیک خانه‌ی پدر مهناز منتظر ماند ولی خبری از او نبود، علی تصمیم گرفت به دانشگاه او سر بزند، او بالاخره موفق شد مهناز را از دور ببیند، او را تعقیب کرد تا اینکه دید مهناز به خانه‌ی دوستش سحر رفت. علی سحر را می‌شناخت و می‌دانست که

سحر از همسرش جدا شده و تنها زندگی می‌کند. در آن لحظه علی فهمید که، مهناز برای پر کردن تنهایی‌های خود به سحر رو آورده است و سحر توانسته است نظر مهناز را نسبت به علی تغییر دهد تا بتواند با مهناز تنهایی‌هایش را پر کند.

مهنازی که روزی عاشق همسرش علی بود و نمی‌توانست بدون او زندگی کند، در اثر مشکلاتی که زندگی برایش به وجود آورد، تن به جدایی و دل‌سختی با یک دوستی داد که خودش قبلاً در زندگی با همسرش شکست خورده بود و جدا شده بود.

مهناز فقط دنبال مسکنم رای خودش بود تا مشکلاتش را از یاد ببرد، نه این‌که دنبال راه حل باشد تا مشکلاتش را به پایان برساند.

بله اکثر ما در زندگی با مشکلات روبرو هستیم و با آنها کلنجار می‌رویم و عمر به پایان می‌رسد و بسیاری مشکلات به اتمام نمی‌رسد، وقتی به مدرسه می‌رویم بارها از خود می‌پرسیم چه وقت مدرسه تمام می‌شود راحت شویم، بعد از گذشت چندین سال از مدرسه فارغ‌التحصیل می‌شویم، سپس به دانشگاه می‌رویم که برای خیلی‌ها در ابتدا خوشایند است ولی بعد از مدتی باز هم با خود می‌گوییم چه زمان دانشگاه تمام می‌شود تا راحت شویم، بعد دانشگاه

به خدمت اجباری می‌رویم که با سختی بسیاری مواجه می‌شویم و دیگر فکر می‌کنیم اگر خدمت‌مان تمام شود همه‌ی مشکلاتمان تمام شده و دیگر راحت می‌شویم، پس از اتمام خدمت باید دنبال شغل مناسب و متناسب با رشته‌ی تحصیلی خود باشیم و با مشقت بسیار روبه‌رو شویم و باز هم تصور می‌کنیم اگر یک شغل مناسب پیدا کنیم دیگر مشکلاتمان به اتمام می‌رسد، پس از پیدا کردن شغل و کمی پس‌انداز کردن، تصمیم به ازدواج می‌گیریم و بعد از ازدواج و بچه‌دار شدن هنگامی که نرسدمان سریع به شیطنت و آزار و اذیت می‌کند باز با خود می‌گوییم چه وقت این بچه بزرگ می‌شود تا راحت شویم که بعد از بزرگ شدن فرزندان و تبدیل شدن آن به یک جوان، همیشه دلهره داریم تا فرزندان به راه نادرست نروند که این مشکل را تا آخر عمرمان داریم، بعد از بزرگ شدن فرزندان سبب بالایی رود و کم‌کم دچار بیماری‌های دوران پیری می‌شویم و این بار بعد از کشیدن رنج‌های بیماری با خود می‌گوییم چه زمانی عمرمان تمام می‌شود تا راحت شویم.

این‌ها همگی قانون جبر است که بر دنیا حاکم است، این ما نیستیم که به زندگی دستور می‌دهیم و آن‌طور که دوست داریم زندگی

می‌کنیم بلکه این شرایط است که به ما می‌گوید چگونه زندگی کنیم. البته این‌ها به این معنا نیست که ما هیچ‌گونه حق انتخابی نداشته باشیم بلکه انتخاب‌های ما با توجه به شرایط موجود در زندگی است. خیر، شر را خداوند متعال آفریده است اما اختیار انتخاب با انسان است.

هیچ انسانی آبی در دختر یا پسر بودنش ندارد؛ شرایط برای دخترها و پسرها، خصوصاً در کشورهای جهان سوم بسیار متفاوت است. مثلاً اگر دسری پسر ی علاقه‌مند شود و قصدش پاک و برای ازدواج باشد اغلب هر دو می‌توانند این حس را بیان کنند. آیا به دلیل دختر بودنشان نمی‌تواند به شخص مورد نظرشان ازدواج کنند مقصر هستند که دختر به دنیا آمده‌اند؟ هرگز آن‌ها در این مورد مقصر نیستند و این همان جبر حاکم بر هر بناسه است که به صورت فرهنگ روابط اجتماعی درآمده است.

خیلی چیزهای مهم دیگر در زندگی هست که از دست ما خارج است: این که پدر و مادر ما، خواهر و برادران ما چه کسانی باشند، در کدام کشور به دنیا بیاییم. مذهب و دین پدر و مادرمان (که اغلب، اکثر فرزندان در هر جای دنیا به دین آن‌ها رو می‌آورند) چه باشد، چه

شکلی باشیم. انسان‌ها در خلقت خود هیچ‌گونه اختیاری ندارند، یعنی انسان در خلقت خود مجبور است و هیچ نقش و تأثیری در آن ندارد و همچنین بعد از خلقت و حضور در دنیا و اقامت در هر کجا نیز بسیار با وی نیست. چنان‌چه قرآن کریم نیز می‌فرماید: تنها خداوند فعال است که به انسان و دیگر موجودات زندگی و حیات می‌بخشد. (فلک ۱)، وضع مادی خانواده‌ای که در آن به دنیا می‌آییم چگونه باشد و ... این‌ها شرایط هستند که ما را مجبور به انتخاب‌هایی می‌کنند که ممکن است نوسابند ما باشد و یا نباشند.

پدر و مادر:

یکی از مهم‌ترین عوامل سرنوشت و نوع ادامه زندگی انسان‌ها، پدر و مادرها هستند، انسان‌ها بسیاری از شخصیت‌ها و رفتارهای خود را از پدر و مادرشان کسب می‌کنند، انسان‌ها خواه ناخواه خود را با شرایط پدر و مادرشان سازگار کنند، اگر پدر و مادر آنها وضعیت مالی خوبی نداشته باشند آنها هم تا زمانی که خود به استقلال مالی نرسیده‌اند باید با آن وضعیت کنار بیایند.

اگر آنها با یکدیگر مشکل داشته باشند و بخواهند از هم جدا شوند، باید فرزندان به ویژه اگر در دوران کودکی باشند، باید با آن